



اول می روز همبستگی بین‌المللی طبقه کارگر و روز اعتراض به بربریت نظام سرمایه‌داری گرامی باد!

کارگران و مردم محروم افغانستان در بدترین شرایط اقتصادی - سیاسی زیر سلطه امارت اسلامی سرمایه به پیشواز اول می روز همبستگی جهانی طبقه کارگر و روز اعتراض به استثمار، نابرابری و بربریت نظام سرمایه‌داری می‌روند. در آستانه روز جهانی کارگر بشریت برابری‌طلب و آزادی‌خواه در افغانستان و جهان شاهد زمینه‌سازی دولت‌های سرمایه‌داری و نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد برای کسب مشروعیت حقوقی برای رژیم تروریستی و اپارتاید اسلامی (امارت اسلامی طالبان) در دوحه پایتخت قطر هستند.

بورژوازی جهانی، دول امپریالیستی و مرتجع جهان و منطقه به رغم هياهو و "مخالفت" دروغین در زمینه به رسمیت شناسی رژیم طالبان که خود طراح و مهندس اصلی آن و عامل و بانی برگرداندن دوباره شان به قدرت سیاسی هستند، دارند افکار عمومی در افغانستان و جهان را آماده می‌سازند تا میان استبداد و توحش لجام گسیخته حاکم و تداوم منارعه قدرت و جنگ به وضع موجود تمکین نمایند؛ و این درک عاری از حقیقت و وارونه را در اذهان القاء می‌نمایند که انسان جغرافیای افغانستان ذاتاً دین‌خو و عقب‌گرا است و گزینه بهتر از امارت تروریستی و اپارتاید تنوکراسی اسلامی برای اداره امور و شکل دادن به حیات اجتماعی آن وجود ندارد.

در کنار دکترین قدرت‌های سرمایه‌داری و نهادهای بین‌المللی مجری سیاست‌های آن‌ها دال بر به رسمیت شناسی امارت اسلامی سرمایه همچنان بخش وسیعی از نیروهای سیاسی و فعالان جامعه مدنی، از چپ و راست، با وجود مواجهه با واقعیت‌های انکارناپذیر و تلخ نسبت به این مجامع و نهادها متوهم اند و نجات شان از این تنگناهای هولناک و کابوس‌مُمند را از عاملان و مجریان تراژیدی کنونی انتظار دارند و به درگاه آن‌ها مشغول طومارنویسی و زاری و ندبه اند. این نیروها و نهادها یک بار دیگر بلاهت و کوتاهی شان را برملا ساخته و امید کارگران و مردم محروم اعم از زن و مرد و کودک که زنده‌گی و هستی اجتماعی شان به نیستی و تباهی کشیده شده است را به الطاف ارباب قدرت در سطح جهانی، به ویژه قدرت‌های امپریالیستی از جمله امریکا، گره می‌زنند و شکل‌گیری و سازمان‌یافتن یک الترناتیو رهایی‌بخش از پائین و به قدرت میلیونی مردم، کارگران و سایر مزدبگیران را به تأخیر مواجه می‌سازند.

این روشن است که تحولات در افغانستان یک گوشه‌یی از تحولات در عرصه جهانی و متأثر از آن است. جهان دستخوش و آبدستن تحولات عظیمی در شکل یافتن نظم نوین و قطب‌های جدید امپریالیستی است؛ تخاصمات بین‌المللی، جنگ و جدال قطب‌های بورژوازی جهانی و لشکرکشی و صف‌آرایی شان در برابر هم در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی برای حفظ قدرتی، گسترش دامنه نفوذ و بردن سهم بیشتر از بازار و منابع بشریت را با مخاطرات جدی بی‌مواجه ساخته و بر متن آن است که بورژوازی و دولت‌های سرمایه‌داری به معیشت، رفاه، حقوق و زنده‌گی طبقه کارگر و مردم محروم یورش برده و ارزش‌های انسانی، اجتماعی و تمام دست‌آوردهای تا کنونی بشریت برابری‌طلب و آزادی‌خواه را مورد تعرض قرار داده است.

در گستره نظام‌های طبقاتی هیچ‌گاهی، تناقضات جوامع انسانی تا این حد عمیق، تراژیک و غیرانسانی نبوده است. یک نمونه بارز آن وضعیت هولناک و اسفباری است که در افغانستان بر مردم، به ویژه زنان، تحمیل شده است؛ فقر، سیه‌روزی و فلاکتی را که نظام حاکم سرمایه‌داری، با وجود رشد چشمگیر تکنولوژی و تولید و وفور نعمات مادی بر انسان‌ها در جهان تحمیل کرده است، تباهن و دهشتناک است. جنگ‌های ویرانگر، تولید و استفاده از سلاح‌های مدهش، نبود آسایش و امنیت، فقر بیکران و تخریب

بی‌رویه محیط زیست و سلطه یک مشت قُدر بر سرنوشت انسان‌ها تجلی عینی بربریتی است که نظام سرمایه‌داری در گستره گیتی آن را به بشریت در همه ابعاد تحمیل نموده است.

اما در تقابل با این توحش و تعرض لجام گسیخته بورژوازی، طبقه کارگر و مردم محروم از پا نه نشسته و در سراسر جهان دست به مقاومت و اعتراض‌های میلیونی زده اند. جنبش‌های اعتراضی در ایران، فرانسه، بریتانیا، آلمان، اسپانیا، هند، آرژانتین، امریکا و... نمونه‌هایی از این جدال اند. طبقه کارگر در اول می باید آلترناتیو خودش را در برابر بربریت سرمایه در میدین شهرها فریاد زند و برای سازمان دادن جهان عاری از استثمار و کارمزدی، جهان عاری از جنگ و اپارتاید جنسیتی، ارتجاع و هیولای سرمایه متحد و متشکل شود و این مصاف را تا بر پایی جهان آزاد و برابری که در آن از مالکیت خصوصی بورژوائی و از استثمار انسان به وسیله انسان خبری نباشد ادامه دهد؛ و به جای آن جامعیتی در خور و شایسته انسان را که در آن اصل از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه نیازش، به اجرا در آمده باشد بنا نهد.

در شرایط و وضعیت حاضر و در زیر سلطه امارت اسلامی سرمایه‌فروستان و محرومان جامعه اعم از زن و مرد به ویژه کارگران، جنبش‌های برابری طلب از جمله جنبش‌های زنان از تبعیض و اپارتاید جنسی و کنشگران چپ و سوسیالیست و هر جنبش آزادی خواه دیگر معترض به وضعیت حاکم دوش به دوش هم و در تقابل با رژیم و حامیان جهانی آن و برای تحقق خواست نان، کار، آزادی آلترناتیو خودشان را شکل دهند. از آنجا که خواست «نان، کار، آزادی» در بر گیرنده مطالبات و خواست‌های اکثریت مردم محروم و تهی دست جامعه از جمله کارگران است، می‌تواند عامل و مبنای بسیج گسترده نیروهای اجتماعی معترض و نافی وضع موجود گردد و زمینه شکل‌گیری و سازمان‌یافتن یک قطب نیرومند و رادیکال در تعارض و تقابل با «امارت اسلامی» سرمایه و بخش‌های دیگر بورژوازی رانده شده از مسند قدرت و حامیان منطقه‌ای و جهانی آن‌ها را فراهم آورد.

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان ضمن تهنیت و شادباش اول ماه می به پیشگاه همه کارگران و فروستان، از کارگران و مردم برابری طلب، فعالان و کنشگران سوسیالیست در افغانستان و بیرون از مرزهای آن می‌خواهد که برای رهایی از سلطه امارت اسلامی سرمایه، که امروز به نیابت از مناسبات سرمایه‌داری جهانی و در خدمت سیاست‌های استراتژیک آن بر سرنوشت مردم حاکم است و زندهگی را به کام اکثریت مردم تلخ کرده است، دست از ندانمکاری و تشتت بر دارند و آلترناتیو رهایی بخش خودشان را در تقابل با سیستم بردهگی مزدی و نفی و دفع وضع موجود شکل دهند. سازمان سوسیالیست‌های کارگری قلبش اینجا می‌تپد و برای تحقق آن تلاش می‌ورزد.

زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر!

زنده باد اول ماه می!

زنده باد سوسیالیسم!

نان، کار، آزادی!

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان

۷ ثور ۱۴۰۲؛ ۲۷ آپریل ۲۰۲۳